

پیامدهای اقتصادی جرم ترک انفاق توسط زوج با تأکید بر قانون حمایت خانواده

علی اکبر جهانی

استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه
مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

Aajahani110@yahoo.com

محمدرضا زنگی آبادی

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی،
دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

نفقة از جمله حقوق مالی زن محسوب می‌شود که در صورت زوجیت دائم و به شرط تمکین زوج، واجب می‌گردد و چنانچه زوج از پرداخت آن امتناع کند، ضمانت اجرای قانونی، وی را ملزم به پرداخت نفقه می‌نماید. ضمانت اجرای مزبور در دو دسته مدنی و کیفری تقسیم می‌شوند. البته ضمانت اجرای حبس موضوع ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده، از سوی بسیاری حقوقدانان مورد نقد واقع شده اما مقنن همچنان بر جرم‌انگاری ترک نفقه و وجود چنین مقرره‌ای تأکید دارد. فارغ از ضمانت اجرای مقرر، ترک نفقه توسط زوج می‌تواند پیامدهای مهم فردی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و ... را به همراه داشته باشد؛ لکن در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای، صرفاً پیامدهای اقتصادی ترک انفاق تبیین گردیده‌است. اهم این پیامدهای اقتصادی، درخواست طلاق زوج به دلیل عسر و حرج مالی و تحمیل هزینه‌های ناشی از دادرسی، حق الوکاله و ایاب و ذهاب، وقوع طلاق و هزینه‌های متبوع آن نظیر مهریه و اجاره‌المثل و ...، تعارض نفقه با سایر بدهی‌های زوج و رشکسته به دولت یا سازمان‌های دولتی، اجبار زن به اشتغال برای امرار معاش و سلب حق مالکیت زن بر نفقه خود می‌باشد. برخی از این پیامدها به صورت مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم در اقتصاد جامعه نیز تأثیرگذار هستند.

واژگان کلیدی: نفقه زوج، ترک انفاق، حقوق مالی زن، قانون حمایت خانواده، طلاق.

مقدمه

اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهاد تربیت و رشد بشر، خانواده است که هسته اولیه جامعه بوده و نقش مؤثری در جامعه‌پذیری افراد دارد؛ به نحوی که می‌توان این نهاد را حلقه واسطه فرد و جامعه تلقی نمود. خانواده، کانون معطوف شدن ویژگی‌های زن و مرد است که در فرایند زندگی روزمره، این ویژگی‌ها را به فرزندان منتقل می‌کنند و سپس این خصوصیات تربیتی، نمود خود را در رفتارهای فرزندان در بستر جامعه نشان می‌دهد. هرچند که خانواده تأمین‌کننده نیازهای روحی و عاطفی انسان است اما نباید از جنبه‌های مادی زندگی زناشویی به ویژه حمایت‌های مالی از زنان نیز غافل شد؛ چراکه اصولاً تأمین هزینه‌های جاری زندگی برعهده مردان بوده و زندگی مشترک از حیث مادی، قائم بر شخصیت مرد است. به همین جهت در حوزه حقوق خانواده دو نهاد «مهریه» و «نفقه» پیش‌بینی شده است که تحت شرایط معین، جزء حقوق مالی زوجه محسوب می‌شوند. اهمیت این دو نهاد حقوقی به قدری است که شارع مقدس و قانونگذار برای عدم رعایت مقررات مربوط به آنها ضمانت‌های اجرایی تعیین کرده‌اند. از آنجا که در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بحث ما پیرامون نهاد «نفقه» است، باید بیان داشت که مقنن به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته و در قوانین موضوعه، «ترک انفاق زوجه» را به عنوان یکی از «جرایم علیه خانواده» جرم‌انگاری نموده و علی‌رغم انتقاد برخی حقوقدانان، ضمانت اجرای این جرم را حبس درجه ۶ قرار داده است.

فارغ از بیان مختصر ضمانت اجرای ترک نفقه زوجه در قوانین ایران، هدف اصلی نگارنده در این نوشتار، واکاوی پیامدهای اقتصادی ترک انفاق زن در پرتو قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ است. قانونی که با وجود برخی کاستی‌ها و چالش‌ها^۱ در جهت حمایت از کیان خانواده و به خصوص حقوق زنان و فرزندان در راستای سیاست‌های حمایتی این نهاد تصویب گردیده است و نسبت به قانون سابق، نوآوری‌های داشته است که «توجه بیش‌تر به سلامت جسمانی زوجین و فرزندان، گسترش

^۱ - جهت مطالعه برخی چالش‌ها و کاستی‌های موجود در قانون حمایت خانواده ر.ک:

- السان و همکاران، ۱۳۹۶، نوآوری‌ها و کاستی‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در قلمرو اصول و تشریفات دادرسی.

- عزیزی، مینا ۱۳۹۱، تحلیل سیاست‌های حمایت از خانواده با تأکید بر نسبت ازدواج و همزیستی.

- قیومی، پرستو، ۱۳۹۸، بررسی نوآوری‌ها و کاستی‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.

موارد لزوم ثبت مسائل مربوط به نکاح و انحلال، کاستن از ضمانت اجرای حمایتی ویژه نسبت به مهریه‌های نامتعارف و تشدید حمایت کیفری از افراد واجب‌النفقة و نیز توجه ویژه به مسائل مالی و حق ملاقات در تصمیمات قضایی مربوط به طلاق و غیر آن، اعطای نقش به مراکز مشاوره خانوادگی در جریان دعاوی مربوط به طلاق از عمده نوآوری‌های قانون جدید است» (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۳: ۳۹). البته در بحث سیاستگذاری‌هایی تقنینی به عقیده برخی پژوهشگران، «این سیاست‌ها نیز باید از عقلانیتی برخوردار باشند که متناسب با ابعاد گوناگون نهاد خانواده باشد؛ چراکه خانواده، خاصه در کشوری اسلامی، وجهی دینی دارد که آن را باید به قدر وجوه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی محترم شمرد و مورد مطالعه قرار داد» (حسینی و عزیزی، ۱۳۹۵: ۹). به این ترتیب، در پژوهش حاضر سعی شده آثار مخرب عدم پرداخت نفقه بر زندگی فردی و اجتماعی زوجه به عنوان یک چالش پیش روی نهاد خانواده و با تأکید بر قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مورد ارزیابی قرار گیرد.

پیش از ورود به بحث اصلی، ذکر این نکته مهم است که شاید به باور برخی، عدم پرداخت نفقه، امر مهمی تلقی نشود اما باید اذعان داشت که این موضوع به ظاهر ساده می‌تواند آثار منفی فراوانی بر زندگی اعضای خانواده به خصوص زن داشته باشد و باید پیامدهای فردی و اجتماعی متعددی را برای آن متصور بود که برخی از این پیامدها در حوزه اقتصادی قرار می‌گیرد و موضوع بحث ما در این تحقیق می‌باشد. از این رو، پس از بیان کلیات و تعاریفی درباره ترک انفاق و ذکر مختصری از ضمانت اجرای این جرم، به بحث اصلی یعنی پیامدهای اقتصادی آن در جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی زن پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پس از بررسی ادبیات تحقیق مشخص شد که در خصوص موضوع مورد بحث، پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما هیچکدام به صورت اخص موضوع «پیامدهای اقتصادی» ترک نفقه زوجه را بررسی نکرده‌اند و عمدتاً این مقوله را به صورت کلی و با در نظر گرفتن سایر جنبه‌ها نظیر پیامدهای فردی و اجتماعی ارزیابی نموده‌اند. به عنوان نمونه، فرزین راد، (۱۳۹۷)، در بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوجه و پیامدهای فردی و اجتماعی ترک انفاق بر امنیت جامعه، به این نتیجه رسیده است که یکی از آثار ترک انفاق و یا شاید مهمترین آن وقوع طلاق میان زوجین و فروپاشی نهاد خانواده است، بنابراین، شناخت آسیب‌ها و انحراف‌های فردی و اجتماعی بدون توجه به مسئله طلاق و پیامدهای آن امکان پذیر نخواهد بود. فروپاشی خانواده، بی‌ثباتی و تزلزل کل نظام جامعه را از زوایای مختلف در پی خواهد داشت و باعث سقوط اجتماع به سوی جرایم گوناگون خواهد شد.

میرزایی و کریمی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی راهکارهای عدالت ترمیمی در جرائم خانوادگی (مطالعه موردی: ترک نفاق)» دریافتند که عدالت ترمیمی با سیاست جنایی که در آن بکار برده می‌شود، می‌تواند رابطه مستقیم و موثری در جرائم خانوادگی بالاخص ترک انفاق داشته باشد و حتی می‌تواند بهتر و موثرتر نسبت به روش‌های سنتی اجرا شود.

ایزدی فرد و همکاران (۱۳۹۳) نیز اشتغال زوجه و تأثیر آن بر نفقه را مورد بررسی قرار داده‌اند و ضمن نقل اقوال و ادله فقها با استناد به تحلیل عرفی تمکین تام و استقلال نفقه از تمکین و نیز حق بودن نفقه، به این نتیجه رسیده‌اند که اشتغال زوجه موجب سقوط قهری نفقه او نمی‌شود اما امکان اندراج شرط اسقاط نفقه در ضمن عقد وجود دارد.

سبحانی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی حق دریافت اجرت‌المثل فعالیت‌های زوجه، با در نظر گرفتن آخرین تحولات قانون حمایت خانواده و عدم نسخ قانون حمایت مصوب ۱۳۵۳ در برخی مواد آن، امکان جمع اجرت‌المثل را با حقوق مالی ویژه طلاق نظیر نخله، شرط تنصیف و مقرری ماهیانه بررسی نموده‌اند و در مورد اول قائل به عدم جمع آن با اجرت‌المثل بوده و برای دو مورد بعدی، قائل به جمع هستند.

از مجموع پژوهش‌های مذکور و سایر تحقیقات این حوزه برمی‌آید که هرچند پژوهش‌ها مطالب علمی، مفید و دقیقی را بیان داشته‌اند لکن موضوع پیامدها و آثار منفی اقتصادی ترک انفاق را به صورت اخص مورد بررسی قرار نداده‌اند؛ از همین رو می‌توان جنبه نوآوری پژوهش حاضر را در این خصوص تبیین نمود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کتابخانه‌ای، منابع مرتبط با بحث را از میان منابع فقهی و حقوقی معتبر جمع‌آوری نموده و به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منطق استنباط تحلیل کرده است.

۱- بازشناسی مفهوم نفقه

نفقه از باب «افعال» و در لغت به معنای هزینه، خرج، خرج هر روزه، خرجی و کمک کردن از باب نیکوکاری است (معلوف، ۱۳۸۹: ۸۲۷/۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۳۱۳/۲)؛ عمدتاً فقهای امامیه در بیان تعریف نفقه بیشتر بر معنای اصطلاحی آن تمرکز کرده و نفقه را عبارت از خوراک، پوشاک، مسکن و ... دانسته‌اند (فیض، ۱۳۹۰: ۳۹۰).

در کتاب ترمینولوژی حقوق در بیان تعریف نفقه آمده است: «نفقه به معنی صرف کردن است و نفقه اسمی است از انفاق. در اصطلاحات حقوق مدنی عبارت است از صرف هزینه خوراک و پوشاک و اثاث خانه و جامه به قدر رفع حاجت و توانایی انفاق کننده (در مورد اقارب) و خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث و خادم در حدود مناسبات عرفی با وضع زوجه (جعفری لنگرودی ۱۳۹۲: ۷۱۸)

در قوانین موضوعه، نفقه بر سه نوع بیان شده است؛

- ۱- نفقه زوجه که عبارت است از مسکن و پوشاک و خوراک و اثاث خانه در حدود مناسبت عرفی یا وضع زوج و خادم در صورت عادت زوجه به داشتن خادم یا حاجت او به واسطه ناخوشی یا نقص عضوی (مستند ماده ۱۱۰۷ ق.م.)
- ۲- نفقه اقارب که عبارت است از مسکن، اثاث خانه، خوراک و پوشاک به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت انفاق کننده (مستند ماده ۱۲۰۴ ق.م.)
- ۳- نفقه زندانی از قبیل خوراک و پوشاک و دوا و طبیب و حمام زندانی (بخشنامه ۷/۸۲۸ مورخ ۱۳۴۰/۱/۳۰)

البته باید گفت که موارد مذکور در ماده ۱۱۰۷ ق.م. جنبه حصری نداشته و هر چیزی که بر حسب عرف مورد احتیاج زن باشد جزء نفقه محسوب می شود مانند هزینه های سفر و نظافت. تفاوت میان عرف های اجتماعی در اعصار گوناگون و اماکن مختلف سبب گردیده که فقها در بیان و تشخیص مصادیق نفقه با هم اختلاف داشته باشند.

۱-۱- ماهیت حقوقی نفقه

برخی از حقوقدانان نفقه را «دین» متعلق به زوجه می دانند که در ابتدای هر روز به ذمه زوج تعلق می گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۲۰۵؛ محقق داماد، ۱۳۹۰: ۲۹۲) در مقابل، برخی دیگر، نفقه را «تعهد» می دانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۵/۲۲۶؛ خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷: ۷/۳۶۷) و بر اساس نظریه اخیر، نفقه جاری زوجه مانند نفقه آینده وی، تعهدی است که بر ذمه زوج می باشد که صرفاً جنبه تکلیفی نداشته بلکه موجب حکم وضعی برای زوجه بوده و از این رو زوجه حق مطالبه آن را دارد.

ثمره بحث مذکور در شناخت ماهیت حقوقی نفقه این است که چنانچه آن را به نحو تعهد بدانیم، آثار عملی زیادی دارد. مثلاً چنانچه پرداخت نفقه زوجه، تعهد قراردادی زوج باشد، تخلف از این تعهد تابع مقررات مسئولیت قراردادی است فلذا با اثبات قوه قاهره، ذمه زوج بری می شود.

۲-۱- اسباب و شرایط وجوب نفقه

در مورد اسباب وجوب نفقه، اختلافی وجود ندارد و فقها و حقوقدانان دو امر «زوجیت» و «قربانیت»^۱ را سبب پرداخت نفقه می‌دانند. فقهای امامیه برای وجوب نفقه زوجه به کتاب، سنت و اجماع استناد کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۶: ۳۱/۳۰۱ و شهیدثانی، ۱۴۱۸: ۸/۴۳۹) و فقهای اهل تسنن علاوه بر ادله مزبور، به عقل و قیاس نیز تمسک کرده‌اند (بغوی، ۱۴۱۸: ۶/۳۲۳). شروط تعلق نفقه به زوجه نیز منحصر در دو شرط «دائم بودن عقد نکاح» و «تمکین زوجه از زوج» می‌باشد. در خصوص شرط اول که مستند به ماده ۱۱۰۶ ق.م. است، حتی اگر عقد دائم با زوجه اهل کتاب باشد، پرداخت نفقه به او واجب است. در مورد شرط دوم نیز باید به عرف مراجعه کرد. چنانکه عرف جامعه ما بر این است که در دوران عقد که هنوز زوجه در منزل پدر به سر می‌برد، علی‌رغم وجود علقه نکاح دائم، نفقه زوجه به عهده زوج نیست و مرد از این حیث تکلیفی ندارد و صرفاً گاهی به عنوان هدیه، پول یا وسایلی را به همسرش هبه می‌کند. اما به هر حال، مقرر اصلی در فقه اسلامی بر این است که به صرف تمکین، نفقه بر مرد واجب می‌شود و این تمکین باید کامل در هر مکان و زمان باشد و تمکین ناقص، به نحوی که زوجه مدتی تمکین کند و مدتی نکند، فایده‌ای ندارد (ر.ک: حلی، ۱۴۰۹: ۲۹۱).

۳-۱- رابطه اعسار زوج و نفقه

فقهای امامیه و نیز اهل سنت در آرای خود به وجوب مهلت دادن به معسر تا حصول گشایش در وضع اقتصادی او حکم نموده‌اند (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق: ۴/۴۹۱. نجفی، ۱۳۶۶: ۲۵/۳۵۳ و ج ۴۰، ص ۱۶۴) و برای این قول خود به آیه ۲۸۰ سوره مبارکه بقره استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «وَأَنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» و از اطلاق آیه شریفه اینگونه استنباط می‌شود که تفاوتی ندارد اعسار معسر با بینه ثابت شود یا با حکم حاکم.

با توجه به اینکه نفقه، نوعی دین است، برخی با استدلال به همین آیه شریفه که مهلت دادن به معسر را واجب شمرده، حق فسخ نکاح را نپذیرفته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸: ۱/۶۰۴).

^۱ قربانیت، با شرایطی، سبب وجوب نفقه اولاد و نفقه پدر و مادر می‌باشد.

^۲ فقهای عظام معتقدند برای حصول تمکین تام، رعایت دو امر لازم و معتبر است: اول این که زوجه باید در هر زمانی که شرعاً مجاز است آماده تمکین باشد، و دوم آن که زوجه باید در هر محل و مکان و نسبت به هر موضعی از بدن برای استمتاع، خود را به شوهرش واگذارد و در صورت نقصان در هر یک از آنها، تمکین تام حاصل نشده است (ایزدی فرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۵).

در مقابل، برخی با استناد به آیه ۳۲ سوره مبارکه نور^۱ معتقدند حاکم اسلامی می‌تواند در صورت فقر زوج و عدم توانایی او بر دادن نفقه همسر، آنان را از یکدیگر جدا سازد. لکن محمد بن احمد قرطبی این استدلال را رد کرده و آیه شریفه «وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ»^۲ را دلیل این موضوع دانسته است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۲/ ۱۶۰).

فقه‌های امامیه نیز در این مسئله نظرات گوناگونی دارند. برخی به ثبوت حق فسخ برای زوج در صورت اعسار زوج معتقدند و در این رهگذر، به آیه ۲۲۹ سوره مبارکه بقره استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَنٍ». مستدل از آیه شریفه مذکور، نگاه داشتن زوج بدون پرداخت نفقه به وی «امساک به معروف» محسوب نمی‌شود؛ لذا در صورت فقدان حاکم، زوج حق فسخ دارد (نجفی، ۱۳۶۶: ۳۰/ ۱۰۵).

شایان ذکر است در خصوص این پرسش که آیا ملاک تعیین میزان نفقه زوج، اعسار و ایسار زوج است یا وضع زوج یا هر دو؟ در منابع فقهی نظرات مختلفی بیان گردیده است. برخی، معیار در میزان نفقه را اعسار و ایسار زوج بیان داشته‌اند و در این راستا به آیه ۷ سوره مبارکه طلاق استناد نموده‌اند که فرموده است: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ...» همچنین به آیه شریفه: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» نیز استناد شده است (جوزی، ۱۴۲۲: ۱/ ۲۷۲).

در مقابل، مخالفان بر این باورند که زوج باید مطابق با شئونات زوج، آنچه از نفقه را که می‌تواند پرداخت کند و مابقی دینی است که بر عهده او خواهد بود و برای اثبات نظر خود به آیه «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» استناد نموده‌اند. صاحب جواهر معتقد است حتی می‌توان گفت آیه درباره نفقه غیر زوج است که با اعسار انفاق کننده ساقط می‌شود. (نجفی، ۱۳۶۶: ۳۱/ ۳۳۳). بنابراین، با تتبع در نظریات فقه‌های عظام، به نظر می‌رسد وجوب پرداخت نفقه زوج، مشروط است به اعسار و ایسار زوج.

۴-۱- ضمانت اجرای ترک نفقه

چنانکه بیان شد، با وجود شرایط لازم در وجوب نفقه زوج، این تکلیف بر عهده شوهر ایجاد می‌گردد که نفقه زوج خود را ایفا کند و در صورت عدم پرداخت، با ضمانت اجرای قانونی مواجه می‌گردد که در ادامه به صورت اجمالی بیان گردیده است؛ البته ذکر این نکته نیز ضروری است که عملی همچون ترک انفاق در معارف دینی ما به ویژه قرآن کریم نیز مذموم شناخته شده و مهم‌ترین و

^۱ - «إِنْ يَكُونَا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» نور/۳۲.

^۲ - در این آیه، به زوجین وعده داده شده که در صورت جدایی، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز خواهد ساخت.

اصلی‌ترین ضمانت اجرای ترک نفقه زوجه از منظر قرآن کریم، تجویز درخواست طلاق برای زوجه بیان شده است که قاضی موظف است طبق احکام مربوطه به این درخواست رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نماید (ر.ک: بقره: ۲۳۳؛ طلاق ۷؛ در تفاسیر ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ۴/۲۱۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۳۱۴؛ قرائتی، ۱۳۹۰: ۲/۲۸۳؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۲/۶۹).

پس از ذکر این مقدمه، با بررسی در متون قانونی مشخص می‌شود که در صورت امتناع زوج از پرداخت نفقه زوجه، مقنن دو دسته ضمانت اجرا پیش‌بینی نموده است؛ ضمانت‌اجراهای مدنی (حقوقی) و ضمانت اجرای کیفری.

الف) ضمانت‌اجراهای مدنی

ضمانت‌اجراهای مدنی ترک نفقه به دو طریق صورت می‌گیرد؛ ابتدا الزام شوهر به پرداخت نفقه به موجب ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی و دوم، اجبار زوج به طلاق زوجه مستند به مواد ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ قانون مدنی است. با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۱۲۹ ق.م. تفاوتی ندارد که عدم پرداخت نفقه ناشی از استنکاف عمدی شوهر باشد یا به واسطه عجز و اعسار وی؛ در هر دو صورت عدم پرداخت نفقه مجوز درخواست طلاق برای زوجه است. بنابراین، منظور از اجبار به طلاق، محکوم کردن زوج به طلاق همسرش می‌باشد که در صورت امتناع زوج از تمکین به حکم دادگاه، به اذن حاکم طلاق داده می‌شود.

ب) ضمانت اجرای کیفری

علاوه بر ضمانت‌اجراهای مدنی که قانونگذار برای ترک نفقه زوجه تعیین نموده است، به موجب ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده، مردی که با داشتن استطاعت مالی و در صورت تمکین زوجه و یا در مورد زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است، از پرداخت نفقه وی استنکاف نماید، به حبس تعزیری درجه شش (۶ ماه تا ۲ سال) محکوم می‌شود. البته قانونگذار در انتهای این ماده مقرر می‌دارد که «تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود».

مستنبط از ضمانت‌اجراهای ترک نفقه زوجه در فقه و حقوق موضوعه می‌توان گفت شارع مقدس و هم قانونگذار در این زمینه به منظور حفظ کیان خانواده، رویکردی حمایتی نسبت به زن و حقوق مالی وی داشته‌اند که البته این ضمانت‌اجراها تا حدودی هم بازدارندگی دارند؛ اما با این وجود، در ضمانت اجرای کیفری نگاه مقنن مقداری سختگیرانه بوده و بهتر است تعدیل شود. در واقع با تأکید بر

این نکته که پرداخت نفقه زوجه یک واجب شرعی بوده و استتکاف از آن امری مذموم است و نیز چنین طلبی از حیث مدنی قابل مطالبه است؛ لکن، جرم‌انگاری ترک نفقه امری ناصواب بوده است که مقنن بدان اقدام نموده است. البته شاید برخی ایراد نمایند که هدف از چنین جرم‌انگاری، تأمین حقوق زن و حفظ کیان خانواده بوده است؛ ایراد مذکور، پذیرفتنی است اما باید گفت حبس زوج در مواقعی که از پرداخت نفقه معسر می‌باشد، عملاً باعث برهم خوردن نظام خانواده می‌گردد.

۲- پیامدهای اقتصادی ترک نفقه زوجه

بحث اصلی این پژوهش، احصای پیامدهای اقتصادی امتناع شوهر از پرداخت نفقه زوجه می‌باشد که در پی یافتن پاسخ این پرسش است که در صورت عدم پرداخت نفقه زن، از جنبه اقتصادی چه آثار منفی و مخربی زندگی فردی و اجتماعی زوجه را تهدید می‌نماید؟ چنانکه بیان شد، حق نفقه از حقوق مالی زن است که منحصرأ در دوران زوجیت و عده طلاق رجعی متعلق به اوست و در کنار سایر حقوق مالی زوجه نظیر اجرت‌المثل، نحلّه، مقرری ماهانه و شرط تنصیف دارایی در سند نکاح، به منظور حمایت مالی از حقوق زنان تقنین گردیده است لکن تفاوتی که نفقه با سایر نهادهای حمایتی مذکور دارد این است که مطالبه آن نیز مانند مطالبه مهریه، مشروط به زمان طلاق نیست. بنابراین پرداخت نفقه یکی از موضوعات بسیار مهم در بحث اقتصاد خانواده به شمار می‌آید. در ادامه به بررسی پیامدهایی که عدم پرداخت نفقه به همراه خواهد داشت پرداخته‌ایم.

۱-۲- وقوع طلاق و آثار اقتصادی به تبع آن

چنانکه گذشت، یکی از ضمانت اجرای ترک نفقه زوجه، ایجاد حق طلاق برای زوجه است؛ شاید برخی این ضمانت اجرا را نوعی امتیاز برای زوجه بدانند اما بر کسی پوشیده نیست که پدیده طلاق می‌تواند آثار زیان‌بار مادی و معنوی فراوانی بر اعضای خانواده به ویژه فرزندان داشته باشد و در نگاهی وسیع‌تر مشکلات اجتماعی را نیز به همراه خواهد داشت. در نگاه اول اینگونه به نظر می‌رسد که طلاق از جمله امور شخصیه افراد بوده و نمی‌تواند آثار مخربی برای جامعه داشته باشد اما با استناد آمارهای رسمی و غیر رسمی می‌توان اذعان داشت که موضوع طلاق و انحلال نظام خانواده به عنوان هسته اولیه جامعه، به صورت غیرمستقیم بر جامعه‌پذیری افراد اثر می‌گذارد؛ چراکه حفظ کیان خانواده به عنوان یک ارزش در جامعه تلقی می‌شود و با از بین رفتن این هسته اجتماعی، ارزش‌های جامعه نیز می‌تواند دستخوش دگرگونی‌هایی شود. لذا باید توجه به واقعه مهمی همچون طلاق و عوامل و تبعات اجتماعی آن را در سطح کلان‌تر و بیرون از دایره احوال شخصیه افراد نیز بررسی نمود تا از زوال نهاد خانواده به عنوان یک ارزش اجتماعی جلوگیری نمود.

مطالعه فراتحلیل پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که بعضی از پژوهکاران نوجوان، در نتیجه جدایی والدین خود و به دلیل فقدان توجه کافی و عدم ارضای عواطف درونی خود دچار تعارض و کشمکش‌های فردی و اجتماعی و اختلالات روانی و عاطفی شده‌اند که در برخی موارد منجر به وقوع جرایم خرد و کلان گردیده است (ر.ک: یحیی‌زاده و حامد: ۱۳۹۴/۹۲). افزون بر این، ممکن است در نتیجه وقوع طلاق، فشارهای اقتصادی بر زن و فرزندان افزایش یابد. این در حالی است که یکی از دلایل طلاق، می‌تواند امتناع مرد از پرداخت نفقه زن و فرزندان خود باشد.

چنانچه زوجه پس از مواجهه با امتناع شوهر از پرداخت نفقه‌اش از ضمانت اجرای موجود در ماده ۱۱۲۹ ق.م. مبنی بر درخواست طلاق استفاده نماید، بدیهی است که باید از یک سو فرایند پر مشقت و طولانی دادرسی طلاق را طی نماید^۱ - که خود این فرایند دربردارنده هزینه‌های بسیاری برای زوجه خواهد بود- و از سوی دیگر ممکن است همزمان با رسیدگی به این دعوا، زوج نیز دادخواست اعسار دهد و در صورت اثبات اعسار وی، عملاً زوجه بهره‌ای از مهریه خود نبرده و به دریافت اقساطی مهریه آن هم با مبالغ اندک راضی شود. همچنین این احتمال نیز وجود دارد که زوجین قصد طلاق توافقی داشته باشند که در این صورت نیز زن مقداری از مهریه خود را به مرد می‌بخشد؛ بنابراین پرداخت هزینه‌های دادرسی و ایاب و ذهاب از سوی زوجه از یک سو و عدم بهره‌وری درست از مهریه به دلیل اعسار مرد از سوی دیگر، ادامه زندگی را برای زنی که توانایی مالی مناسبی ندارد از نظر اقتصادی بسیار دشوار خواهد نمود و این پیامد اقتصادی دامن گیر زنان در جامعه خواهد بود.

افزون بر مشکلات اقتصادی که طلاق برای زن و فرزندان ایجاد می‌کند، جامعه نیز از این مشکلات اقتصادی مصون نمی‌ماند. به نظر برخی محققین، هنگامی که خانواده‌ای در اثر طلاق از هم می‌پاشد، اعضای آن اعم از زن و مرد یا فرزندان، ممکن است در جامعه اقدام به رفتارهای ناهنجار کنند. افزایش هزینه‌های اجتماعی برای جلوگیری و کنترل جرایم و ناهنجاری‌ها و انحراف‌های ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیابانی و سایر آسیب‌های اجتماعی مانند فرار از منزل، تکدی‌گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، قاچاق و...، افزایش تعداد زنان خودسرپرست و مشکلات معیشتی، همگی می‌تواند بار اقتصادی برای جامعه و دولت به همراه داشته باشد (ر.ک: فرزین‌راد، ۱۳۹۷: ۱۷۴-۱۸۰؛ آزاد، ۱۳۷۷: ۲۰۳).

^۱ از این جهت فرایند دادرسی را در این خصوص طولانی می‌دانیم که مطابق ماده ۳۲ قانون حمایت خانواده و مفاد قانون آیین دادرسی مدنی، اجرای صیغه طلاق منوط به نهایی شدن رأی دادگاه است. یعنی باید مراحل تجدیدنظرخواهی، واخواهی و فرجام خواهی را گذرانده باشد تا طلاق زوجه در دفتر طلاق ثبت شود.

۲-۲- تعارض نفقه زوجه با طلب دولت و سازمان ها از شخص ورشکسته

چنانکه بیان شد یکی از دلایل عدم پرداخت نفقه، اعسار مرد می باشد و این اعسار و ورشکستگی ناشی از آن، دارای پیامدهای اقتصادی است از جمله اینکه دیون شخص ورشکسته حال شده و باید از عهده این دیون برآید. به موجب ماده ۸۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، پس از اعسار و ورشکستگی شخص، ابتدا باید طلب های دارای وثیقه و سپس طلبکاران دارای حق تقدم (طلبکاران ممتاز) و در نهایت طلب سایر طلبکاران را پردازد. در حالیکه طلبکاران ممتاز خود دارای پنج طبقه هستند که حقوق مالی و مطالبات زوجه شخص ورشکسته در طبقه چهارم قرار دارد و پیش طلب طلبکار بدون حق تقدم باید پرداخت گردد.

حال سؤالی که در این بخش مطرح می شود این است که آیا طلب دولت بابت مالیات و جرائم متعلقه و مطالبات سازمان تأمین اجتماعی، جزء طبقه بندی فوق قرار می گیرد و آیا نفقه زن بر این مطالبات مقدم است یا خیر؟ پرداختن به این مسئله از این حیث اهمیت دارد که مطالبات دولت و سازمان های دولتی از یک شخص به صورت مستقیم با نظم اقتصادی جامعه ارتباط دارد و ضرورت دارد که مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا احتمالاً این نظر مطرح می شود که رویکرد مقنن در درجه اول حمایت از افرادی است که از نظر معیشتی و اقتصادی ضعیف تر هستند و به همین دلیل است که قانون مالیات های مستقیم، مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از خدمات را و قانون حمایت خانواده، نفقه زوجه و اولاد را مقدم بر طلب دولت ها می داند. اما برخی از اساتید حقوق چنین نظری را مورد نقد قرار داده و معتقدند « مالیات برای بقاء دولت و حفظ نظم و امنیت و تأمین منافع عمومی گرفته می شود و منافع عمومی باید بر منافع خصوصی مقدم باشد. به دیگر سخن، مالیات مبتنی بر نظم عمومی است و از این رو باید در صدر دیون ممتاز قرار گیرد، جز آنچه قانون به صراحت استثنا کرده باشد. از سیاق عبارت ماده ۱۵۳ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ و ماده ۱۰۶ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ چنین برمی آید که قانونگذار دیون مالیاتی را در صدر دیون ممتاز قرار داده و فقط طلب دارای وثیقه و مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از خدمت را بر آن مقدم داشته است. در مورد رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ هم می توان گفت: این رأی فقط ناظر به ماده ۳۰ قانون مالیات بر درآمد ۱۳۳۵ است و شامل قوانین مالیاتی ۱۳۴۵ و ۱۳۶۶ نمی شود و در مورد این قوانین لازم الاتباع نیست» (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۵۸ و ۱۵۷). البته برخی محققین معتقدند دلیلی بر اختصاص داشتن آن به قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۳۵ نداریم و با توجه به وحدت ملاک میتوان این حکم را شامل دیگر قوانین مالیاتی نیز دانست (فرشتیان، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

به هر حال آنچه از این بحث دریافت می‌شود این است که موضوع پرداخت نفقه زوجه علاوه بر اهمیتی که در حقوق مدنی و خانواده دارد، در مباحث حقوق اقتصادی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است و مباحث فراوانی پیرامون این مسئله حقوقی طرح گردیده است. از سوی دیگر، بر اساس مبانی فقهی، ملاک در میزان و مقدار نفقه حال زوج است از جهت توانگری و فقر (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶/۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲/۳۴۵)؛ بنابراین بر طبق این نظریه زوج باید متناسب با وضعیت مالی خود به همسرش نفقه پردازد. لذا ورشکستگی زوج، وجوب نفقه را ساقط نمی‌کند اما می‌تواند در میزان نفقه تأثیرگذار باشد.

۳-۲- اجبار زن به اشتغال

در عصر حاضر زن در جامعه نقش قابل توجهی دارد و فعالیت در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و این امر موجب شده است که زنان باری از جامعه را به دوش بکشند و همگام با مردان در پیشبرد اهداف جامعه نقش مهمی داشته باشند. با وجود تحولات عظیمی که در جامعه ایران به وجود آمده مسلماً زنان که نیمی از منابع انسانی به شمار می‌روند تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته و امروزه درصد زیادی از زنان به بازار اشتغال راه یافته‌اند (کمری، ۱۳۹۶: ۲۱).

از جمله عواملی که ممکن است زنان را به سوی اشتغال خارج از منزل سوق دهد، کافی نبودن درآمد شوهر و یا عدم پرداخت نفقه واجب زن و فرزندان است. بنابراین، باید گفت امتناع مرد از نفقه دادن، می‌تواند این اجبار را برای زن ایجاد نماید که به مشاغل سخت تن دردهد و این امر، پیامدهای منفی را برای شخصیت زن به همراه دارد. این موضوع از باب قاعده نفی عسر و حرج نیز قابل تأمل است. در واقع قاعده مذکور، از جمله قواعد تحدیدکننده‌ای است که نقش اساسی در تعیین میزان ریاست و قوامیت مرد در خانواده دارد که در قانون نیز از خصایص مرد به شمار آمده است. این خصایص که لازمه ریاست شوهر می‌باشد، عبارت است از: لزوم اذن شوهر در خروج از منزل برای زن، لزوم اطاعت و تمکین خاص از شوهر طبق عرف و لزوم تبعیت زن از مرد در اتخاذ منزل (موسوی و ملک‌افضلی، ۱۳۹۷: ۱۷۰).

برخی محققین در بررسی فقهی ریاست شوهر در خانواده و قیاس آن با مفاد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از موارد اختلافی میان موازین فقهی و کنوانسیون مزبور، ریاست مرد در خانواده است؛ بدین نحو که این کنوانسیون، حقوقی برابر را برای زوجین در نظر گرفته است در حالیکه با عنایت به ضرورت وجود مدیر و سرپرست در هر جامعه، تأکید فقه اسلام بر

ریاست شوهر، جنبه استبدادی ندارد بلکه یک ریاست اداری حکیمانه است و زن در امور شخصی ملزم به اطاعت از مرد نیست (آیتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۱).

علی‌رغم اینکه زنان، نیمی از سرمایه انسانی جهانی هستند و استفاده صحیح از این سرمایه اجتماعی می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش و فقر را کاهش دهد و هرچند که به اذعان بسیاری از پژوهشگران، شاغل بودن زنان می‌تواند به عنوان یک شاخص توسعه یافتگی محسوب گردد (ر.ک: نره‌ای و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۵)، اما شرایط فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه ایرانی، در برخی موارد پویایی مناسب را از اشتغال زنان سلب کرده است. هنگامی که یک زن بر اساس شرایط و امکانات موجود شغلی را اجباراً می‌پذیرد در شخصیت وی فشارهای روانی ایجاد می‌شود و این فشار به خانواده آسیب می‌زند. همچنین اجبار به اشتغال برای بانوان، می‌تواند سایر جنبه‌های زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، زنی که در بیرون از منزل مجبور به انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا با ساعت‌های طولانی باشد، نمی‌تواند نقش مادری خود را به خوبی ایفا کند در حالیکه ممکن است این زن در اثر طلاق، تنها سرپرست فرزندان خود بوده و در این صورت در تربیت آن‌ها با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد.

فارغ از مباحث فوق، اشتغال زن خارج از منزل می‌تواند از دو جنبه مورد بررسی قرار گیرد؛ نخست اینکه اشتغال زن، معلول یک علت باشد و آن علت هم امتناع زوج از پرداخت نفقه زوجه است که در مباحث مذکور بیان گردید. اما جنبه دیگر، عکس قضیه مزبور است به نحوی که ترک نفقه، معلول علتی دیگر باشد که همانا شاغل بودن زن و متمکن بودن وی است. بر اساس این قضیه، دو استدلال مطرح می‌شود:

استدلال نخست اینکه شوهر می‌تواند با استناد به تمکن مالی زوجه در اثر فعالیت‌های شغلی‌اش، از پرداخت نفقه امتناع نماید. به عبارت دیگر، از آنجایی که زن در خارج از منزل شاغل بوده و بعضاً درآمد بالایی هم دارد، دیگر نیازی به تأمین مخارج خود از نفقه پرداختی شوهر نخواهد داشت و بدین جهت، وجوب نفقه از عهده مرد ساقط می‌گردد. در رد این استدلال باید گفت که درست است زوجه دارای تمکن مالی است، لکن ادله وجوب پرداخت نفقه مطلق است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵/۳۱۴) و حتی برخی از فقها به وجوب نفقه در صورت تمکن مالی زوجه تصریح نموده‌اند (خوئی، ۱۴۱۰: ۲/۲۸۲).

استدلال دوم نیز بر این مبنا طرح شده است که چون وجوب نفقه عوض تمکین است و منظور از تمکین، تمکین تامّ می‌باشد، در برخی موارد که زن به اقتضای شغل خود، زمان خاصی از شب یا روز را در باید در محل کار و خارج از منزل باشد، ممکن است اشتغال زن مانع از تحقق تمکین کامل باشد و تمکین را ناقص نماید و در نتیجه منجر به سقوط کامل و یا بعض نفقه می‌گردد. در پاسخ به این استدلال نیز باید گفت هرچند برخی فقها بر مبنای چنین استدلالی رأی به سقوط وجوب نفقه از عهده شوهر داده اند (نجفی، ۱۳۶۶: ۳۱/۳۰۴؛ فاضل هندی: ۱۴۱۶، ۷/۵۵۸) لکن در این باره نظر مخالف نیز وجود دارد که نظر مشهور فقها و حقوقدانان می‌باشد (سبزواری، محمدباقر، ۱۴۲۳: ۲/۲۹۷؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸۳) با این حال، باید اذعان داشت که اولاً با توجه به مفهوم تمکین تام در عرف، زوجه‌ای که چنین وضعیت شغلی دارد، تمکین کننده به حساب می‌آید. ثانیاً نباید میان تمکین و نفقه، یک رابطه معاوضی متصور بود زیرا این مورد کاملاً مستقل از یکدیگر هستند؛ بنابراین، به فرض محدود شدن تمکین زن به دلیل اشتغال، مادام که اشتغال او با اذن شوهر باشد، حتی در صورت محدود شدن زمان تمکین زوجه، نه تنها وجوب پرداخت نفقه از عهده مرد ساقط نمی‌شود بلکه در میزان نفقه نیز تغییری پدید نخواهد آمد و بر اساس مبانی فقهی، میزان نفقه بستگی به توانایی مالی مرد دارد. لذا زنی که به دلیل اشتغال به کار با اذن زوج در خارج از منزل به سر می‌برد، مستحق دریافت تمام نفقه خود می‌باشد.

در نهایت باید نتیجه گرفت که از یک سو اخلاقاً نمی‌توان با استنکاف از پرداختن نفقه، زن را تحت فشار قرار داد و او را مجبور به اشتغال در مشاغل سخت نمود و از سوی دیگر، چنانچه زن دارای شغل می‌باشد، به تمکن مالی وی یا عدم تمکین تام او از شوهر، استناد کرده و او را مستحق نفقه ندانست. بلکه نفقه جزء حقوق مالی زوجه است که در برآورده کردن نیازهای اقتصادی او تأثیر به سزایی دارد.

۴-۲- سلب حق مالکیت زن بر نفقه

یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی عدم پرداخت نفقه زوجه، سلب حق مالکیتی است که زن بر نفقه دارد. هرچند که برخی از فقها، صرف وجود عقد نکاح دائم را سبب وجوب نفقه می‌دانند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵/۱۰۱؛ سبزواری، محمدباقر، ۱۴۲۳: ۲/۳۰۰) اما با توجه به نظر مشهور فقها و حقوقدانان و مبانی فقهی و قانونی، زن با وجود تمکین، مستحق نفقه می‌باشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۶/۱۱؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲/۳۴۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۲/۳۱۱) و از این حیث باید زن را مالک نفقه خود دانست. اما

چنانچه شوهر از عهده این دین خود برنیاید و حق مالی زوجه از نفقه را نپردازد، در واقع، موجب سلب مالکیت وی گردیده است.

چنانچه مرد نفقه را به معنای اعم آن نظیر خوراک و پوشاک و به زوجه تملیک نماید، هرگونه تصرف مادی و حقوقی زوجه در این نفقه جایز است. اما با این حال، بعضی از اموال شوهر مانند مسکن و اثاث منزل هستند که در اختیار زوجه قرار داشته و او تحت عنوان نفقه از آنها استفاده می نماید و با انتفاع زوجه تلف نمی شوند. به نظر می رسد که شوهر این قبیل موارد را به تملیک زن در نیاورده و تنها حق انتفاع از آنها را به زوجه داده است. لذا زن نیز حق تصرف حقوقی در این موارد را ندارد، مگر در صورتی که اثبات شود مرد این اموال و وسایل را به زوجه هبه کرده یا به نحو قراردادی انتقال داده است. بنابراین، آنچه که به عنوان نفقه، عیناً یا منفعتاً متعلق به زن می باشد، در مالکیت او ست و چنانچه شوهر از پرداخت نفقه خودداری نماید، در حقیقت مالکیت زوجه را سلب نموده است و این امر می تواند از نظر اقتصادی برای زوجه مشکلات زیادی را فراهم آورد.

حق نفقه از حقوق مالی زن است که صرفاً در دوران زوجیت و عده طلاق رجعی متعلق به او ست. در این راستا برای حل چنین معضلی و به منظور حمایت از حقوق مالی زن می توان از نهاد «مقرری ماهانه» موضوع ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ کمک گرفت. هرچند برخی معتقدند که قانون مزبور و به ویژه ماده ۱۱ آن در تحولات حقوقی پس از انقلاب به کلی نسخ شده است (دیانی، ۱۳۹۵: ۱۹۵) و برخی دیگر نیز بیان کرده اند که آن بخش از ماده ۱۱ که ناظر بر حقوق زوجه است منسوخ گردیده است (هدایت نیا، ۱۳۸۵: ۹۷) اما در مقابل، حقوقدانانی هستند که قائل به عدم نسخ ماده مذکور بوده و معتقدند که حکم موضوع ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ کماکان به قوت خود باقی است (صفایی و امامی، ۱۳۹۴: ۲۸۹). به نظر می رسد با توجه به اینکه اولاً حکم مندرج در ماده مزبور ماهیتی متفاوت نسبت به سایر نهادهای حقوقی مانند اجرت المثل، نخله و ... داشته و از این رو مغایرتی باهم ندارند و ثانیاً تا زمانی که نسخ قانون محرز نگردیده، اصل بر بقای قانون است؛ لذا بایستی به عدم نسخ ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ رأی داد و به ویژه در مواردی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور شوهر باشد و استطاعت او هم محرز باشد و از طرفی، مهریه زوجه به اندازه ای نباشد که او بتواند زندگی خود را اداره نماید، حکم «مقرری ماهانه» را به عنوان یک نهاد حمایتی در جهت تحقق عدالت اجرا نمود.

نتیجه گیری

با توجه به مبانی فقهی و مستندات قانونی، تردیدی در وجوب نفقه زوجه نیست و این امر از جمله حقوق مالی زن محسوب می‌شود که کتاب، سنت، اجماع و عقل بدان تصریح نموده‌اند. با توجه به مستندات وجوب نفقه زوجه، به نظر می‌رسد تأمین نیازمندی‌های زوجه بر شوهر مفروض بوده و مصادیق نفقه در عرف هر جامعه متفاوت می‌باشد و آنچه را که فقهای عظام به عنوان مصادیق نفقه ذکر نموده‌اند جنبه حصری نداشته و به منظور بیان موارد رایج در عصر خودشان بوده است. همچنین از فحوای کلام فقهای عظام شیعه و سنی در باب ملاک و معیار پرداخت نفقه دریافتیم که وجوب پرداخت نفقه زوجه، مشروط است به اعسار و ایسار زوج.

سبب وجوب نفقه، زوجیت دائم است به شرط تمکین زوجه از زوج اما چنانچه با وجود شرایط مزبور، مرد از پرداخت نفقه امتناع نماید ضمانت اجراهایی در این زمینه وجود دارد که او را الزام به پرداخت نفقه می‌نماید. این ضمانت اجراها در دو دسته مدنی و کیفری تقسیم می‌شوند که البته ضمانت اجرای کیفری ترک نفقه که همان حبس زوج می‌باشد، محل ایراد و انتقاد بسیاری از حقوقدانان و محققین قرار گرفته است اما قانونگذار در قانون حمایت خانواده بر این امر تأکید داشته است مردی که با داشتن استطاعت مالی و در صورت تمکین زوجه و یا در مورد زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است، از پرداخت نفقه وی استنکاف نماید، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

فارغ از ضمانت اجراهای مزبور، ترک نفقه زوجه می‌تواند پیامدهای مهم فردی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و... داشته باشد که در این پژوهش صرفاً بعد اقتصادی این قضیه تبیین گردید. درخواست طلاق زوجه به دلیل عسرو حرج مالی و تحمیل هزینه‌های ناشی از دادرسی، حق الوکاله و ایاب و ذهاب، وقوع طلاق و هزینه‌های متبوع آن نظیر مهریه و اجره‌المثل و...، تعارض نفقه با سایر بدهی‌های زوج ورشکسته به دولت یا سازمان‌های دولتی، اجبار زن به اشتغال برای امرار معاش و سلب حق مالکیت زن بر نفقه خود از مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی ترک نفقه زوجه است که برخی به صورت مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم در اقتصاد جامعه تأثیرگذار هستند. بنابراین، موضوع پرداخت نفقه زوجه علاوه بر اهمیتی که در حقوق مدنی و خانواده دارد، در مباحث حقوق اقتصادی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است و مباحث فراوانی پیرامون این مسئله حقوقی طرح گردیده است. با این حال، با توجه به نکات فوق پیشنهاد می‌شود:

- اولاً قانونگذار در ضمانت اجرای کیفری جرم ترک انفاق تجدیدنظر نموده و تصریح کند که به صرف پرداخت نفقه از سوی زوج، مجازات مزبور مرتفع می‌گردد و انتفای کیفر را به گذشت شاکی (زوجه) منوط نکند.
- ثانیاً با اصلاح قوانین مرتبط با بحث نفقه، مانع از ضررهای محتمل به اقتصاد خانواده و جامعه گردد.
- همچنین با احیای دوباره نهاد «مقرری ماهیانه» برای زوجه مستند به ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، علاوه بر اینکه از طلاق‌های خودسرانه و خودخواهانه با تبعات منفی فردی و اجتماعی جلوگیری می‌کند، می‌تواند زنانی را که دارای مهریه اندک هستند و زنانی که برای رها شدن از عسر و حرج ناشی از زندگی مشترک با همسرشان مهریه خود را هبه می‌کنند حمایت مالی بیشتری نماید تا شاهد کاهش آثار منفی طلاق در جامعه باشیم.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن برآج، قاضی عبدالعزیز. (۱۴۰۶). *المهذب*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن قدامة، أبو محمد موفق الدین (۱۳۸۸ق) *المغنی*، جلد ۴، مکتبه القاهرة.
- السان، مصطفی؛ نجفی زاده، لیلا؛ لاوریان، ملیحه. (۱۳۹۶). *نواوری‌ها و کاستی‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در قلمرو اصول و تشریفات دادرسی*. فصلنامه قضاوت، ۱۷، (۹۰): ۱۴۳-۱۶۰.
- امامی، مسعود. (۱۳۸۵). *نفقه زن باردار در عده وفات*. مجله فقه و اصول، ۴۸، ۹۰-۱۶۱.
- ایزدی فرد، علی اکبر؛ محسنی، محمد؛ ادبی فیروزجایی، رزاق. (۱۳۹۳). *اشتغال زوجه و تأثیر آن بر نفقه*. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۶ (۱۰): ۳۱-۵۸.
- آزاد، نقی. (۱۳۷۷). *بررسی مسائل اجتماعی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- آیتی، سید محمدرضا؛ سلیمی، مهناز؛ مهدوی، سید هادی. (۱۳۹۷). *تحلیل تفاوت‌های حقوق زنان در فقه امامیه و ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (با تمرکز بر حقوق یک‌سان زوجین در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن)*. مبانی فقهی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۱: ۵۳-۷۵.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: النشر الإسلامی.
- بغوی، ابو محمد. (۱۴۱۸). *التهدیب فی فقه الامام شافعی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۳). *ضمان عقدی در حقوق مدنی*، تهران: گنج دانش.

- جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۲۲) **زاد المسیر فی علم التفسیر**، محقق: عبد الرزاق المهدي، بیروت: دارالکتب العربی.
- حسینی، سید حسن؛ عزیزی، مینا. (۱۳۹۵). **بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران**. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۴(۱): ۳۴-۷.
- حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۹). **شرایع الاسلام فی مسائل الحرام والحلال**، تهران: استقلال.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰)، **منهاج الصالحین**، قم: مدینه العلم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷) **مصباح الفقاهه**. جلد ۷، قم: داوری
- دیانی، عبدالرسول. (۱۳۹۵). **حقوق خانواده**، تهران: میزان.
- سبجانی، یوسف؛ اسفندیاری، افلاطون؛ رضایی، مصطفی. (۱۳۹۷). **بررسی حق دریافت اجرت‌المثل فعالیت‌های زوجه و امکان جمع آن با حقوق مالی ویژه طلاق**. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۶(۲): ۵۹-۸۸.
- سبزواری، سید عبدالأعلی. (۱۴۱۳)، **مهذب الأحكام**، جلد ۲۵، قم: مؤسسه المنار.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. (۱۴۲۳). **کفایه الأحكام**، جلد ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- شهیدثانی. (۱۴۱۳). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، جلد ۸، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷) **المبسوط فی فقه الإمامیه**، جلد ۶، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- صفایی، حسین. (۱۳۹۴). **مختصر حقوق خانواده**، تهران: میزان.
- صفایی، سید حسن؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۰). **حقوق خانواده**، تهران: دانشگاه تهران.
- عزیزی، مینا. (۱۳۹۱). **تحلیل سیاست‌های حمایت از خانواده با تأکید بر نسبت ازدواج و همزیستی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶). **كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام**، جلد ۷، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فرزین‌راد، رویا. (۱۳۹۷) **بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوجه و پیامدهای فردی و اجتماعی ترک**
- **اتفاق بر امنیت جامعه**. دانش انتظامی. ۲۰(۷۹): ۱۴۷-۱۹۱.
- فرشتیان، حسن. (۱۳۸۸). **نفقه زوجه**، تهران: بوستان کتاب.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۰). **تفسیر نور**، جلد ۲، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی محمد بن أحمد (۱۳۸۴) **الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)**، تحقیق: أحمد البردونی و إبراهيم أطفیش، قاهره: دار الکتب المصریة.

- قیومی، پرستو، (۱۳۹۸). بررسی نوآوری‌ها و کاستی‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). حقوق خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۳). بررسی نوآوری‌ها و چالش‌های ماهوی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۲ (۲): ۳۹-۶۳.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۰). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن. جلد ۲، تهران: دارمحبی الحسین.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۹)، المنجد، مترجم: محمد بندریگی، جلد ۲، تهران: اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۱). تفسیر نمونه. جلد ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۲) رساله نجاه العباد. جلد ۵، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی (ره)
- موسوی، سیدموسی، ملک‌افضلی، محسن. (۱۳۹۷) نقش قاعده نفی عس و حرج در قوآمیت مرد در خانواده از نگاه فقه شیعه و حقوق جمهوری اسلامی ایران. مطالعات فقهی و حقوقی زن و خانواده، ۱ (۲).
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۶). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۰، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- نره‌ای، نرجس؛ صادقی، بهروز؛ شهبازی، نجفعلی؛ غلامی، روح الله. (۱۳۹۱). ارزیابی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر سرمایه اجتماعی زنان با تأکید بر نقش آن در اقتصاد گذار ایران. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۷ (۱۹): ۱۰۵-۱۴۲.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۸) فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، جلد ۱، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی
- هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۳۸۵). حقوق مالی زوجه: اجرت‌المثل، نحل و تعدیل مهریه. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- یحیی‌زاده، حسین؛ حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه؛ فراهلیل مقالات موجود. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۳ (۲): ۹۱-۱۲۰.